

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توکل بر اللہ تعالیٰ

مؤلف: اسماء بنت راشد الرويشد

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: توکل بر الله تعالى

مؤلف: اسماء بنت راشد الرويشد

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان - انتشارات

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان - رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
معنای توکل بر الله تعالی	۲
اهمیت توکل	۳
بدست آوردن اسباب از توکل است	۷
انواع توکل بر حسب تعلقات آن	۱۲
اموری که با توکل منافات دارد	۱۴
میوه‌های توکل	۱۷
بعضی از سخنان پیشینیان درباره‌ی توکل	۳۲

مقدمه

شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است. گواهی می‌دهم که پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز الله وجود ندارد و یکتا و بی‌شریک است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد و صلی الله علیه و علی آله و أصحابه أجمعین، أما بعد:

جمله‌ی «بر الله توکل نمودم» را بسیاری از مردم می‌گویند و آن را در مناسبات بسیاری به زبان می‌آورند، ولی عده‌ی کمی هستند که معنای آن را می‌فهمند و از این عده‌ی کم، تعداد کمی هستند که الفاظ و معانی آن را در عمل پیاده می‌کنند.

برای تطبیق این معنای ایمانی بزرگ یعنی «توکل بر الله تعالی» در هر جزئی از جزئیات زندگی مسلمان، باید اول مفهوم توکل را فهمید و معنای حقیقی آن را درک کرد و اهمیت آن را شناخت و اثر ترک توکل بر الله تعالی را در

زندگی مسلمان شناخت و این موضوع همین مطلب کوتاه است.

معنای توکل بر الله تعالی

توکل بر الله تعالی همان سپردن امور به الله ﷻ است و اعتماد کردن به انتخاب الله تعالی در امری که به شخص شده است و اعتماد به الله تعالی در جلب منافع و دفع ضررهای دینی و دنیوی؛ شامل بدست آوردن روزی و بدست آوردن پیروزی و شفای بیماری و بر طرف شدن مشکلات و دیگر چیزهایی که از منافع دنیوی هستند، و همچنین اعتماد بر الله تعالی در بدست آوردن منافع آخرتی؛ مانند ایمان، هدایت، عمل صالح و علم سودمند و دیگر چیزها.

اهمیت توکل

توکل عبادتی واجب در قلب است و عبادتی است که فقط شایسته‌ی الله تعالی و خالص برای او می‌باشد، آن برترین عبادت‌ها و بالاترین منازل توحید است. کمال آن را برپا نمی‌دارند مگر خواص مؤمنان؛ مانند هفتاد هزار نفری که بدون حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند، همچنان که بیان آن خواهد آمد، الله تعالی توکل را شرط و علامت ایمان دانسته است و می‌فرماید: ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳] (و فقط^۱ بر الله توکل کنید اگر از مؤمنان هستید). در نتیجه با توکل است که ایمان در قلب تحقق پیدا می‌کند. گفته شده است: «من لا توکل له لا ایمان له» (کسی که توکلی نداشته باشد، ایمانی ندارد) و الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَعَلَى اللَّهِ

^۱ - چون «علی الله» بر خلاف قانون مقدم آمده است معنای

تخصیص می‌دهد. (مترجم)

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿﴾ [آل عمران: ۱۲۲] (و فقط مؤمنان بر الله توکل می‌کنند).

در اینجاست که می‌توانیم درک کنیم که توکل سخنی با زبان یا عملی با اعضای بدن نیست، بلکه آن ایمان و یقین در قلب است و به همین دلیل قرآن توکل را صفتی اساسی برای مؤمنان قرار داده است، الله ﷻ می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: ۲] (مؤمنان فقط کسانی هستند که وقتی الله یاد می‌شود، قلبهای آنها به ترس می‌افتد و وقتی آیات او تلاوت می‌شود ایمان آنها زیاد می‌شود و فقط بر پروردگارشان توکل می‌کنند).

آنچه دلیلی بر اهمیت توکل در حیات مسلمان است، این است که الله تعالی شیطان را از توکل کنندگان دور می‌کند؛ الله تعالی در سوره‌ی النحل درباره‌ی شیطان می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾

[النحل: ۹۹] (او قدرتی بر کسانی که ایمان آورده‌اند و فقط بر پروردگارشان توکل می‌کنند ندارد). توسط آن به بهشت پروردگار جهانیان دست یافته می‌شود، زیرا الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّتَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [العنکبوت: ۵۸-۵۹] (و کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند آنها را در کاخهای بهشت جای می‌دهیم که از زیر آنها نهرها جاری است در آن جاودان می‌مانند و چه نیکوست اجر عمل کنندگان * کسانی که صبر کردند و فقط بر پروردگارشان توکل نمودند). این بدان معناست که مهمترین صفات کسانی که اهل بهشت هستند، صبر و توکل است.

درباره‌ی فضیلت و مکانت توکل و بزرگ بودن آن می‌بینیم که الله جل جلاله پیامبرش ﷺ را به کرات در قرآن به آن امر می‌نماید و به او می‌فرماید: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا

يَمُوتُ ﴿[الفرقان: ۵۸]﴾ (و بر زنده‌ای توکل کن که نمی‌میرد)،
﴿فَاعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [النساء:
۸۱] (از آنها روی بگردان و بر الله توکل کن و الله برای نگهبان
بودن کافی است)، ﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ [آل
عمران: ۱۵۹] (و وقتی تصمیم به اقدام گرفتی بر الله توکل
کن).



بدست آوردن اسباب^۱ از توکل است

معنای حقیقی توکل کامل نمی‌شود مگر با بدست آوردن اسباب که ما را به هدف می‌رسانند. الله تعالی همراه به امر به توکل به بدست آوردن اسباب نیز امر می‌فرماید. کوشش نمودن برای بدست آوردن اسباب با جوارح اطاعتی از الله تعالی می‌باشد و توکل با قلب، ایمان به او است، الله تعالی خطاب به مؤمنان می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ﴾ [النساء: ۷۱] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

۱ - بدست آوردن اسباب، منظور انجام کارهایی است که برای رسیدن به هدف، لازم هستند، مثلاً کسی نمی‌تواند بگوید: من دارو نمی‌خورم و بر الله تعالی توکل می‌نمایم، بلکه باید آن کاری که از دست او بر می‌آید، یعنی دارو خوردن را انجام دهد، ولی بر الله تعالی نیز توکل نماید و بداند که تا الله متعال نخواهد، بهترین دارو نیز باعث شفای او نمی‌شود و در نتیجه بعد از خوردن دارو بر الله متعال توکل نماید و خود را به او بسپرد. (مترجم)

آمادگی خودتان را حفظ کنید) و به پیامبر ﷺ می‌فرماید:
﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ [آل
 عمران: ۱۵۹] (و در امور با آنها مشورت کن و وقتی تصمیم
 به اقدام گرفتی بر الله توکل کن).

توکل حالت پیامبر ﷺ بوده است و کسب نمودن
 [اسباب] سنت او می‌باشد و کسی که به سنت او عمل می‌کند،
 سنت او را ترک نمی‌نماید.

گفته شده است: «عدم بدست آوردن به اسباب طعنه
 وارد کردن به دین است و اعتقاد به [کافی بودن] اسباب طعنه
 به توحید است».

یوسف بن أسباط گفته است: «عمل مردی را انجام بده
 که چیزی او را نجات نمی‌دهد مگر عملش و به مانند مردی
 توکل کن که مصیبتی بر وی وارد نمی‌شود مگر آنچه [از قبل
 در تقدیر] او نوشته شده است».

به همین دلیل از کامل بودن توکل، بدست آوردن اسباب

است و این در حالی است که به آن اسباب به تنهایی اعتماد نمی‌شود و قلب به آن تعلق پیدا نمی‌کند و حالت بدنی او این است که آن اسباب را تهیه می‌کند و حالت قلبی او این است که الله تعالی آن را انجام می‌دهد و اسباب به تنهایی کاری نمی‌توانند انجام دهند.

اثر توکل در ایجاد کردن آرامش در درون و احساس قدرت داشتن:

توکل نزد مؤمن، عمل است و عمل همراه با آرامش قلب و اطمینان خاطر درون است و اعتقاد محکمی بر این وجود دارد که آنچه الله تعالی بخواهد انجام می‌شود و آنچه نخواهد انجام نمی‌شود و به این ایمان می‌آورد که به ستون محکمی پناه گرفته است و او آرزو و اعتماد خود را باید بر آن قرار دهد و به همین دلیل اثری بر درونش دارد و برای اجرا کردن امرش احساس ثبات می‌کند و به مانند کوهی می‌شود که لرزش نداشته و از احدی از مخلوقات الله تعالی نمی‌

ترسد، زیرا کسی که به او توکل شده است و امر به او واگذار شده است، همان پروردگار مخلوقات است و زمام امور آنها در دست اوست.

بنده‌ای که امر را به پروردگارش واگذار می‌کند و به خواست الله تعالی راضی می‌شود، آینده او را نمی‌ترساند و از اتفاقات ناامید نمی‌گردد و آرامش جای ترس را در او می‌گیرد و به اطمینان خاطری دست می‌یابد که ناشی از عدل و رحمت الله تعالی می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [التغابن: ۱۳] (الله، هیچ پرستش شونده‌ی برحق‌ی جز او وجود ندارد و مؤمنان باید فقط بر الله توکل کنند).

همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳] (و کسی که بر الله توکل کند او برای وی کافی است) به معنای کافی بودن در گرفتاری‌ها و غمها. کسی که الله تعالی برای او کافی باشد و او را حفظ نماید، هیچ

توکل بر الله تعالی // ۱۱

چیز به او ضرر نمی‌رساند. این آیه درب آرزو و امید را در برطرف کردن نیازها باز می‌کند، در نتیجه کسی که به الله تعالی اعتماد می‌کند، الله تعالی برای او کافی خواهد بود ﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَلْفِ أَمْرٍ﴾ [الطلاق: ۳] (الله حکمش را اجرا می‌کند) به این معنا که امرش را به اجرا می‌گذارد.

توکل بر الله تعالی توشه‌ای برای روح است که ترس را از بین می‌برد و قلب همان چیزی است که به مؤمن آرامش داشتن در آرزویی که برای آینده می‌باشد را به ارمغان می‌آورد.



انواع توکل بر مسبب تعلقات آن

۱- توکل واجب، همان اعتماد به الله تعالی در تمامی امور، شامل بدست آوردن منافع و دفع ضرر رساننده‌ها است و این توکل شرطی از شرطهای ایمان است.

۲- توکل بر مخلوقات در اموری که توان آن امر را جز الله تعالی ندارد، مانند نازل کردن باران یا علم غیب داشتن، یا به مانند توکل بر مردگان و کسانی که غائب هستند در امید داشتن به آنها در یاری دادن و روزی دادن و حفظ نمودن آنها از آزار و این شرک اکبر است که با توحید منافات دارد^۱.

۳- توکل بر زندگان که حاضر هستند در امری که الله تعالی به آنها قدرت آن را داده است، مانند توکل پیدا کردن بر پزشک در شفا دادن و توکل نمودن بر ثروتمند در روزی دادن

^۱ - زیرا هر کاری را الله تعالی انجام می‌دهد و توکل نمودن به غیر

الله با این امر منافات دارد. (مترجم)

و توکل نمودن بر قدرتمند در دفع آزار و این شرک اصغر است و با درست بودن توحید منافات دارد. شرح دهنده‌ی کتاب التوحید گفته است: «توکل بر الله عبادتی است که باید برای الله خالص باشد و آن را برای دیگر چیزها باید از بین برد، [زیرا] با توحید منافات دارد».

۴- وکیل کردن انسان بر کاری که توانایی آن را دارد و به نیابت از او این کار را انجام می‌دهد، مانند خرید و فروش، این جایز است ولی نباید گفت: توکل نمودم بلکه باید گفت: تو را وکیل گرفتم. زیرا حتی اگر او را وکیل بگیرد باید بر الله سبحانه و تعالی توکل نماید.



اموری که با توکل منافات دارد

۱- از آنچه با توکل منافات دارد این است که پیروزی و روزی گرفتن و به هدف رسیدن را به اسباب نسبت دهیم و آن را از جانب الله تعالی نبینیم؛ مانند کسی که می‌پندارد روزی او فقط در فلان عمل قرار دارد و این با کامل بودن توحید منافات دارد؛ زیرا سبب فقط الله به تنهایی می‌باشد؛ مانند ادعای پیروزی از طریق علم داشتن یا ادعای شفا پیدا کردن با علاج نمودن پزشک، مانند آن که گفته می‌شود: فلان طبیب مرا شفا داد. درست آن این است که گفته شود: از الله شفا گرفتم سپس از پزشک. همچنین به مانند کسی که در قلبش این امر وجود دارد که روزی او فقط به علت علم، نشاط و قدرت اوست یا فلان شخص کسی است که به او روزی می‌دهد و به او عطا می‌نماید یا اعتماد نمودن به شخصی که امر او را آسان کند و حاجت او را بر طرف نماید.

۲- از چیزهایی که با توکل منافات دارد، تسلیم نشدن

به قضا و قدر الله تعالی در مصیبت‌ها و مشکلات و مریضی‌ها و پناه بردن به جادوگران و دعا نویسان و درخواست از آنها برای رفع درد می‌باشد.

۳- «التطیر»^۱ و فال بد زدن: همان گونه که بعضی از مردم هنگام خارج شدن از خانه و یا سفر نمودن آن را انجام می‌دهند و با دیدن شخصی یا شنیدن سخنی فال بد می‌زنند یا آن که به عدد معین یا روز معین یا لباس و خانه‌ای فال بد می‌زنند و این با توحید منافات دارد، رسول الله ﷺ فرموده است: «الطَّيْرَةُ شِرْكٌ» (تطیر شرک است). ولی انسان آن را بزرگ می‌شمارد و توکل بر الله تعالی از قلبش خارج می‌شود؛

۱- «التطیر» امری است که در گذشته انجام می‌گرفت و آن این بود که پرنده‌ای را در دست می‌گرفتند و آن را رها می‌نمودند و اگر به سمت راست می‌رفت، می‌گفتند: خیر است و اگر به سمت چپ می‌رفت می‌گفتند: شر است و این عمل امروزه با شمردن دانه‌های تسبیح یا فال گرفتن با ورق صورت می‌گیرد. (مترجم)

این چنین است فال بدن زدن به خوابهای ترسناک و تعلق پیدا کردن به آنها.

۴- آنچه با کمال توکل بر الله تعالی منافات دارد، جلو انداختن رضایتمندی مخلوقات بر رضایتمندی الله تعالی است: وقتی مصالح شخص با توکل بر الله تعالی و نیکی نمودن یقین تحقق پیدا می‌کند، انسان نباید رضایتمندی مردم را بر رضایتمندی الله تعالی برتری دهد، همان گونه که در حدیث آمده است.



میوه‌های توکل

گواری توکل کنندگان باد، بشارت‌های بزرگی که از آنها:

۱- امید داشتن بر این که از هفتاد هزار نفری شوند که بدون حساب و کتاب وارد بهشت می‌شوند، همان گونه که در صحیحین آمده است، و از بارزترین صفات آنها ﴿وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (و فقط بر پروردگارشان توکل می‌نمایند) می‌باشد.

۲- ترک نمودن شرک و پاک شدن از آن؛ زیرا او به علت توحیدش به غیر الله تعالی توجه نمی‌کند و آن برایش قوی نمی‌شود.

۳- رضایتمندی او به تقدیر الله تعالی زیاد می‌شود و آن تسلیم شدن کامل به الله تعالی است.

۴- اثر ترس از مخلوقات از قلب او از بین می‌رود مانند کسانی که به آنها گفته می‌شود: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

[آل عمران: ۱۷۳] (مردم بر علیه شما جمع شده‌اند، پس از آنها بترسید! در نتیجه‌ی آن ایمان آنها زیاد می‌شود و می‌گویند: الله برای ما کافی است و نگهبان نیکی می‌باشد).

۵- آن شناخت از الله تعالی را زیاد می‌کند: ایمان عملی به اسمهای الله تعالی و صفاتش می‌آورد، صفاتی مانند: «القادر» (قادر)، «الرازق» (روزی دهنده)، «الشافی» (شفا دهنده) و «العزیز» (بسیار با عزت) و نزدیکی او به وی زیاد می‌شود.

۶- زیاد شدن هدایت و حفظ شدن از هر شرّی و کافی بودن برای او از هر نیازی، رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ قَالَ - یعنی إذا خرج من بيته : بسم الله، توكلت على الله، ولا حول ولا قوة إلا بالله، يقال له: هدیت ووقت وکفیت، فيقول الشيطان للشيطان آخر: كيف لك برجل قد هدى ووقى وكفى» (کسی که هنگام خارج شدن از خانه‌اش بگوید: به نام الله، بر الله توکل نمودم و هیچ تغییر و قدرتی وجود ندارد مگر از

جانب الله. به او گفته می‌شود: هدایت یافتی و حفظ شدی و برای تو کافی است. و شیطانی به شیطان دیگر می‌گوید: با این مرد چه کار خواهی نمودی، [زیرا] او هدایت یافته است و حفظ شده است و برای او کافی است).

مردم در توکل بر الله تعالی با یکدیگر فرق دارند و این بر حسب کوشش آنها و اهتمام آنها و هدف آنها و قدرت ایمان آنها است، همان گونه که ابن قیم گفته است: دوستان و خواص او در ایمان، به او توکل می‌کنند و همچنین در یاری دادن دینش و بالا بردن سخنش و اجرا گذاشتن دوست داشتنش. پایین‌تر از این توکل، توکل نمودن بر وی در استقامت نفس است و حفظ نمودن حالش به شکلی که با الله همراه شود و آن را از مردم جدا می‌نماید؛ به این معنا که در امر دینش به خودش اعتماد نمی‌کند و اعتماد او فقط در توفیق یافتن از طرف الله [تعالی] است، و پایین‌تر از آن توکل نمودن در چیزهایی مانند بدست آوردن رزق یا سلامتی یا فرزند

است.

بالاترین توکل: توکل نمودن در واجبات است؛ به معنای آنچه الله تعالی واجب فرموده است؛ بدین صورت که در اطاعت از او از وی کمک بطلبد و به او اعتماد کند و همراه با سعی نمودن در کسب اسباب، تغییر و قدرتی را در غیر او نبیند و بر نفس واجب است که الله تعالی را به نیکی انتخاب کند و در اصلاح امورش به او اعتماد نماید، و این همراه بدست آوردن راههای اصلاح و به منفعت رساندن آن است.

بر مخلوق واجب است که در اصلاح امورش به الله تعالی توکل نماید و آن این گونه است که آنچه بین او و بین پروردگارش وجود دارد را اصلاح نماید و در نتیجه الله تعالی آنچه بین او و بین مخلوقات است را اصلاح می‌کند، همان گونه که وی بر الله تعالی اعتماد می‌کند و در اصلاح مخلوقات از او کمک می‌طلبد و نباید اعتماد او بر علم، فضیلت و قدرت خودش باشد، بلکه باید بداند که قلبها در دست الله هستند و

هر گونه بخواهد آن را تغییر می دهد.

اسبابی که قدرت قلب را در توکل زیاد می کند:

۱- شناخت اسمها و صفات پروردگار: هیچ چیزی وجود نخواهد داشت مگر به خواست و قدرت وی. او توانایی است که چیزی او را ناتوان نمی سازد، باعزتی است که چیزی بر او غلبه نمی کند و چیزی او را منع نمی کند، عالمی است که علم او به همه چیز احاطه دارد و از مصالح ظاهری و باطنی و بلاهای نهان و آشکار آگاه می باشد.

بنده وقتی بعد از فکر نمودن و مشورت و تهیه اسباب قصد کاری را می کند، موفق نمی گردد، مگر با کمک الله تعالی و توفیق دادنش؛ زیرا موانع و بلاهای در برابر موفق شدن زیاد می باشند و کسی به آنها احاطه ندارد، مگر الله تعالی، پس گریزی از این وجود ندارد که مؤمن باید به الله تعالی توکل نماید و به قدرت و قوت او در آسان کردن امور و ادامه یافتن عمل اعتماد داشته باشد. الله جل جلاله توکل کنندگان را

دوست می‌دارد و این همراه با عمل نمودن به اسباب است.

۲- اثبات اسباب و گرفتن آنها؛ زیرا توکل از قوی-

ترین اسباب در بدست آوردن هدف می‌باشد و تأثیر توکل بر کسب بنده و سعی او آشکار می‌گردد، مانند دعا نمودن که الله تعالی آن را سببی برای بدست آوردن آنچه از آن دعا می‌شود قرار داده است. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ [الجمعة: ۱۰] (وقتی نماز [جمعه] را ادا نمودید در زمین پخش شوید و از فضل الله طلب نمایید) و جایز نمی‌باشد که به اسباب اعتماد صورت گیرد. از مردم کسانی هستند که برای بر طرف کردن نیازهایشان بر مخلوقات توکل می‌کنند و قلب خود را به آنها متعلق می‌کنند و مجازات آنها این است که الله تعالی آنان را به آن چیزی که توکل کرده‌اند وا می‌گذارد. همان گونه که پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ تَعَلَّقَ بِشَيْءٍ وَكِلَإِ إِلَيْهِ» (کسی که به چیزی تعلق پیدا کند به همان واگذار می‌شود) و غیر الله

تعالی از هر چیزی و در هر چیزی ناتوان است، حتی در بدست آوردن مصالح خودش؛ و نباید بر مال، جاه، عقل و هیچ مخلوق دیگری توکل صورت گیرد.

علی بن ابی طالب علیه السلام گفته است: «کسی که به مالش اعتماد کند، آن را کم می‌یابد و کسی که به عقلش اعتماد کند، گمراه می‌شود و کسی که بر جاهش اعتماد کند ذلیل می‌شود و کسی که بر الله [تعالی] اعتماد کند، نه کم می‌آورد و نه گمراه می‌شود و نه ذلیل می‌گردد».

شاعر گفته است:

توکل علی الرحمن فی الأمر کُلّه
در تمامی امور به بسیار رحمت کننده توکل کن
ولا ترغب فی العجز يوماً عن الطلب
از روی ناتوانی، روزی از طلب نمودن کوتاهی
ألم تر أن الله قال لمريم
آیا ندیدی که الله [تعالی] به مریم فرمود:

وهزى إلیک الجذع یساقط الرطب
شاخه نخل را تکان بده برای تو خرما ریخته می‌شود.
ولو شاء أدلی الجذع من غیر هزه
اگر می‌خواست شاخه را بدون تکان دادن به او
نزدیک می‌فرمود.

إلیها ولكن کل شیء له سبب
ولی برای هر چیزی اسبابی وجود دارد
مردی نزد ربیع بن عبد الرحمن آمد و از او درباره‌ی
گفتگویی که با امیر برای برطرف کردن نیازش داشت، سوال
نمود، ربیع گریه کرد و گفت: کجایی ای برادر! الله را در امرت
قصد کن او را سریع و قریب می‌یابی و من به کسی در امری
رجوع نمی‌کنم و آن را از وی نمی‌خواهم مگر الله ﷻ و او را
کریم و نزدیک می‌یابم [البته] برای کسی که او را قصد کند و
از او بخواهد و بر او توکل نماید.

فضیل بن عیاض رحمه الله گفته است: «دوست
داشتنی‌ترین شخص نزد مردم کسی است که از مردم بی‌نیازی

جوید و مغبوض ترین شخص نزد مردم کسی است که از مردم نیاز خود را طلب کند و از آنها درخواست نماید. دوست- داشتنی ترین شخص نزد الله ﷻ کسی است که از او درخواست نماید و نسبت به غیر از او بی نیاز باشد و مغبوض ترین شخص نزد [الله] تعالی کسی است که از او بی نیازی جوید و از غیر او درخواست نماید».

به همین دلیل معیار قدرت بنده و کامیاب شدنش قدرت بی نیاز بودن او از مخلوقات در برابر الله تعالی است. پس اگر بنده بر الله تعالی توکل کند و به او اعتماد نماید و امر خود را به او بسپارد، او را بخشنده تر از مردم می یابد، این به آن معنا نیست که آن شخص قوی می باشد، ولی این گونه است که او بر الله تعالی اعتماد می کند و تمامی مشکلاتش حل می شود؛ و آن به سبب بدست آوردن سبب نمی باشد، بلکه بر پروردگارش توکل می کند.

۳- اخلاص داشتن قلب در توحید به الله تعالی و شریک قائل نشدن برای وی: توکل بنده درست می‌شود مگر با اصلاح توحیدش و به اندازه‌ی توحیدش، توکلش صحیح می‌شود. وقتی بنده به غیر الله تعالی متوجه می‌گردد آن توجه باعث می‌شود تا گوشه‌ای از گوشه‌های قلب او را اشغال کند.

پیامبر ﷺ فرموده است: «لَوْ أَنْكُمْ تَوَكَّلْتُمْ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ، تَغْدُو خِمَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا» (اگر شما آنچنان که حق توکل پیدا کردن بر الله می‌باشد بر وی توکل پیدا کنید به مانند پرنده به شما روزی می‌دهد، صبح گرسنه خارج می‌شود و شب با شکم پر بر می‌گردد). به این معنا که برای هر کدام از شما صحت توحید ایجاد شود، چیزی که اقتضاء می‌کند تا در تمامی امور، امر به الله تعالی سپرده شود و به او اعتماد صورت گیرد، او به مانند پرندگان به شما روزی می‌دهد، ولی این گونه نیست و مردم بر قدرت و کسب اسباب خود اعتماد می‌کنند.

۴- اعتماد قلب به الله تعالی و وابسته شدن به وی و آرامش گرفتن توسط آن، نباید اضطراب و شکی با توجه به اختلاف اسباب یا ضعف آنها یا ضعیف بودن آنها، باقی بماند و این علامتی از درست بودن توکل است. اگر از گرفتن اسباب دوری وجود داشته باشد و بر پروردگار اعتماد صورت گیرد، سپس آن امر حاصل نشود، نباید در قلب حرجی ایجاد گردد و نباید در آن بغضی وجود داشته باشد که سببی را بر نگرفته است و یا از آن کمک نطلبیده است؛ زیرا او می‌داند که سختی وجود ندارد مگر به تقدیر الله تعالی و آسانی وجود ندارد مگر آن که از طرف الله تعالی باشد و توجه‌ای به بدست آوردن اسباب و یا پشت کردن به آنها برای او وجود ندارد، پیامبر ﷺ فرموده است: «یدخل الجنة أقوام أفئدتهم مثل أفئدة الطیر» (اقوامی وارد بهشت می‌شوند که دل‌های آنها به مانند دل پرندگان است) به این معنا که بر الله تعالی توکل می‌کنند.

۵- حُسن ظن داشتن به الله ﷻ همان چیزی است که

باعث اعتماد به الله تعالى می‌شود، همان گونه که حسن بصری گفته است: «از توکل بنده این است که الله [تعالی] همان چیز مورد اعتماد او باشد»... بلکه اعتماد داشتن و یقین، ستون توکل و اصل آن می‌باشد؛ کسی که به پروردگارش اعتماد می‌کند اعتقاد دارد که اگر الله تعالى حکمی نماید آن حکم رد کننده‌ای ندارد و در پس حکم او چیز دیگری یافت نمی‌شود. کسی که الله تعالى برای او نصیبی از روزی، اطاعت یا مال یا علم یا غیر آن قرار داده باشد، گریزی نیست که آن را بدست می‌آورد و کسی که از آن موارد چیزی برای وی قرار داده نشده است، هرگز به آنها نمی‌رسد، همان گونه که راهی برای او به پرواز در آسمان وجود ندارد و در این هنگام است که از چیزی که الله تعالى برای او نصیب قرار نداده است، احساس راحتی می‌کند و همچنین از ناقص بودن آنچه الله برای او نصیب قرار داده است، احساس امنیت می‌کند و در نتیجه رضایتمند و شادمان می‌گردد، همان گونه که در حدیث آمده

است: «إِنَّ اللَّهَ بَعْدَهُ وَقَسَطَهُ جَعَلَ الرُّوحَ وَالْفَرْحَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا، وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ فِي الشَّكِّ وَالسُّخْطِ» (الله از روی عدل و دادش شادی و خشنودی را در یقین و رضایت‌مندی قرار داده است و اندوه و غمگینی را در شک و خشمگین شدن قرار داده است).

۶- تسلیم نمودن قلب به الله تعالی: یعنی تسلیم تدبیر پروردگار جهانیان شدن در امور قضا و قدر وی؛ و نه فقط در آنچه به آن امر فرموده است یا از آن نهی نموده است.

۷- سپردن امور به الله تعالی: آن حقیقت توکل است و آن سپردن تمامی امور به الله تعالی و قرار دادن آنها نزد پروردگار می‌باشد و آن از روی اطاعت و اختیار است و نه از روی اجبار و اضطرار.

باید این گونه باشد که شعار مؤمن در زندگی‌اش توکل باشد، پیامبر گرامی ﷺ به دعا‌هایی راهنمایی فرموده است که صبح و شام گفته می‌شود و در تغییراتی که در زندگی‌اش

وجود داشت آنها را به کار می‌بست و مملو از روح توکل و متوجه کردن قلب به سوی الله تعالی در هر حالتی داشت.

از آنها: دعای هنگام خارج شدن از خانه است که در قبل آمد.

از آنها: این دعای او می‌باشد: «اللهم لك أسلمت، وبك أمنت وعليك توكلت، وإليك أنبت، وبك خاصمت، اللهم إني أعوذ بعزتك، لا إله إلا أنت أن تضلني، أنت الحي الذي لا يموت والجن والإنس يموتون» (یا الله! فقط به سوی تو تسلیم شدم و فقط به تو ایمان آوردم و فقط بر تو توکل نمودم و فقط به سوی تو توبه نمودم و فقط برای تو دشمنی نمودم، یا الله به عزت تو پناه می‌برم، هیچ پرستش شونده‌ی بر حقی جز تو وجود ندارد که مرا گمراه کند، تو زنده‌ای هستی که نمی‌میرد و جن‌ها و انسان‌ها می‌میرند). [متفق علیه].

از آنها: این سخن وی ﷺ است: «حسبنا الله ونعم الوكيل» (الله برای ما کافی است و نیک نگهبانی می‌باشد). ابن

عباس رضی الله عنهما گفته است: «حسبنا الله ونعم الوکیل»، سخنی است که ابراهیم علیه السلام هنگامی که در آتش انداخته شد گفت و محمد صلی الله علیه و آله هنگامی که گفتند: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (همانا مردم بر علیه شما جمع شده‌اند، پس از آنها بترسید، در نتیجه‌ی آن ایمان آنها زیاد شد و گفتند: الله برای ما کافی است و نیک نگهبانی است) آن را فرمود.

از آنها این سخن رسول صلی الله علیه و آله است: «یا فلان، إذا أويت إلى فراشك فقل: اللهم أسلمت نفسي إليك، ووجهت وجهي إليك، وفوضت أمري إليك، وألجأت ظهري إليك، رغبة ورهبة إليك، لا ملجأ ولا منجى منك إلا إليك، آمنت بكتابك الذي أنزلت، ونبيك الذي أرسلت، فإنك إن مت من ليلتك مت على الفطرة، وإن أصبحت أصبت خيراً» (ای فلانی! وقتی در رختخوابت دراز کشیدی بگو: یا الله نفسم را تسلیم تو نموده‌ام و صورتم را به سوی تو متوجه نموده‌ام و

امرم را به تو واگذار نموده‌ام و پشتم را در پناه تو قرار داده‌ام، از روی رغبت و ترسی که به سوی تو دارم، پناهگاه و نجات دهنده‌ای در برابر تو وجود ندارد، مگر خودت، به کتابی که نازل فرموده‌ای و پیامبری که فرستاده‌ای ایمان آورده‌ام. پس اگر در آن شب بمیری بر فطرت [اسلام] مرده‌ای و اگر صبح کنی به تو خیری رسیده است). [متفق علیه].

بعضی از سفنان پیشینیان درباره‌ی توکل

علی علیه السلام گفته است: «ای مردم! بر الله توکل کنید و به او اعتماد نمایید، زیرا او برای شما از غیر خودش کافی است». در اینجا علی علیه السلام را در حالتی می‌یابیم که بین توکل و اعتماد به الله تعالی که همان یقین به او تعالی است، ارتباط برقرار نموده است. یقین همان است که بنده عمل خود را برای الله خالص گرداند و در همان حالت به وعده‌های الله تعالی اعتماد داشته باشد.

یکی از علماء گفته است: بر غیر الله توکل نکن که در نتیجه‌ی آن الله [تعالی] تو را به حال همان چیزی که بر وی توکل نموده‌ای رها خواهد ساخت.

منصور بن عمار گفته است: «قلبه‌ای توکل کنندگان، ظرف رضایتمندی است».

یکی از آنها گفته است: «علامت توکل قطع نمودن چیزهایی است که به آنها طمع می‌شود» به معنای آنچه در مخلوقات و اسباب است.

دیگری گفته است: «توکل از بین بردن دیدنِ واسطه‌ها است و معلق شدن به بالاترین ارتباط» که همان الله ﷻ است.

ابن سالم بصری گفته است: «توکل بر الله تعالی واجب است»، ﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳] (و فقط بر الله توکل کنید اگر از مؤمنان هستید) و کوشش نمودن در طلب روزی مباح است ﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ [البقرة: ۵۷] (از چیزهای پاکی که به شما روزی

داده‌ایم، بخورید) آنچه برای طلب و کسب وجود دارد، پاک و خبیث می‌باشند و آنچه برای توکل است، فقط پاکی است.

از الله بسیار با عزت و بسیار توانا درخواست می‌نماییم تا از روی رحمت و بخشش خود توکل درست بر خود را به ما ارزانی دارد و ما را از کسانی قرار دهد که فقط به او امید دارند و امید ما را از غیر خودش قطع فرماید.

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا
محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

تهیه کننده:

أسماء بنت راشد الرويشد

مسئول سایت اینترنتی آسیه و مرکز مشاوره‌ی آسیه

www.asyeh.com

هاتف ۹۲۰۰۰۰۱۹۲

ص.ب ۴۰۷۱۳ الرياض ۱۱۵۱۱

ایمیل: asma@asyeh.com